



استراتژی پرهیز از بحران بیکاری در دهه (۸۷ - ۱۳۷۷)

تهیه کننده: سید حسن هفده تن

توضیح:

در قسمت اول و دوم مقاله حاضر که در مجله شماره ۲۱ و ۲۲ درج گردید، نویسنده دربارهٔ پیامدهای منفی ناشی از بیکاری، رفع این معضل، اجرای برنامه‌های اشتغالزایی، نسبت نیروی کار ۱۰ سال به بالا و تعداد و درصد شاغلان و بیکاران در هر هزار نفر طی دورهٔ زمانی ۱۳۵۵-۷۱، تصویر جمعیت و اشتغال کشور در طول برنامهٔ دوم توسعه، نرخ بیکاری کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا در سال ۱۹۹۶، تصویر اشتغال و بیکاری در کشور ایتالیا، نرخ رشد اشتغال، تولید ناخالص و ارزش افزوده بخشها، عرضه نیروی کار کشور کلی برنامهٔ دوم توسعه (۱۳۷۳-۷۸) و نسبت توزیع شاغلان بخشهای سه گانه اقتصادی به درصد مطالبی را یادآور شد. ضمن پوشش از خوانندگان گرامی، به خاطر وقتهای که به لحاظ اصلاح پاره‌ای از مطالب پیش آمد، ادامهٔ مطالب از نظر شما خواهد گذشت.

قسمت سوم

(ارقام به هزار)

بخشهای اقتصادی	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۶-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۳-۷۸
کشاورزی	۱۹۹	۶۲	۴۴	۴۴	۲۱۴
صنعت	- ۲۳۱	۱۶	۱۱۲۷	۱۶۷	۸۸۲
خدمات	۲۲۳۵	۳۷۰	۱۲۲۳	۱۸۳	۹۲۴
کل	۲۲۰۳	۴۴۸	۲۳۹۴	۳۹۴	۲۰۲۰

جدول شماره (۱۰) فرصتهای شغلی ایجاد شده در بخشهای مختلف اقتصادی

چگونگی توزیع ۵۶۰ هزار فرصت شغلی مورد انتظار در بخشهای مختلف اقتصادی از سال ۱۳۷۶ به بعد:

با مشاهده جدول شماره (۱۰) مربوط به فرصتهای شغلی ایجاد شده دوره‌های مختلف، در می‌یابیم که در طول برنامه پنج ساله دوم اقتصادی (۱۳۷۳ - ۷۸) جمعاً ۲۰۲۰ هزار فرصت شغلی پیش‌بینی گردیده است که از رقم مذکور ۲۱۴ هزار در بخش کشاورزی و ۸۸۲ هزار در بخش صنعت و ۹۲۴ هزار فرصت شغلی در بخش خدمات ایجاد گردیده است. با بیانی روشنتر می‌توان گفت که از مجموع فرصتهای شغلی ایجاد شده، ۱۰/۶ درصد مربوط به بخش کشاورزی و ۴۳/۷ درصد بخش مربوط به بخش صنعت و ۴۵/۷ درصد مربوط به کل خدمات بوده است. اصولاً بخش کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات و منابع در دسترس به خصوص آب و زمینی ناچار به استفاده از تکنولوژیهای مدرن و پیشرفته و ماشین‌آلات کشاورزی تمام خودکار است، بدین دلیل در امر اشتغالزایی چندان کوشش پذیر نیست که این امر روند مهاجرت روستاییان به شهرها را

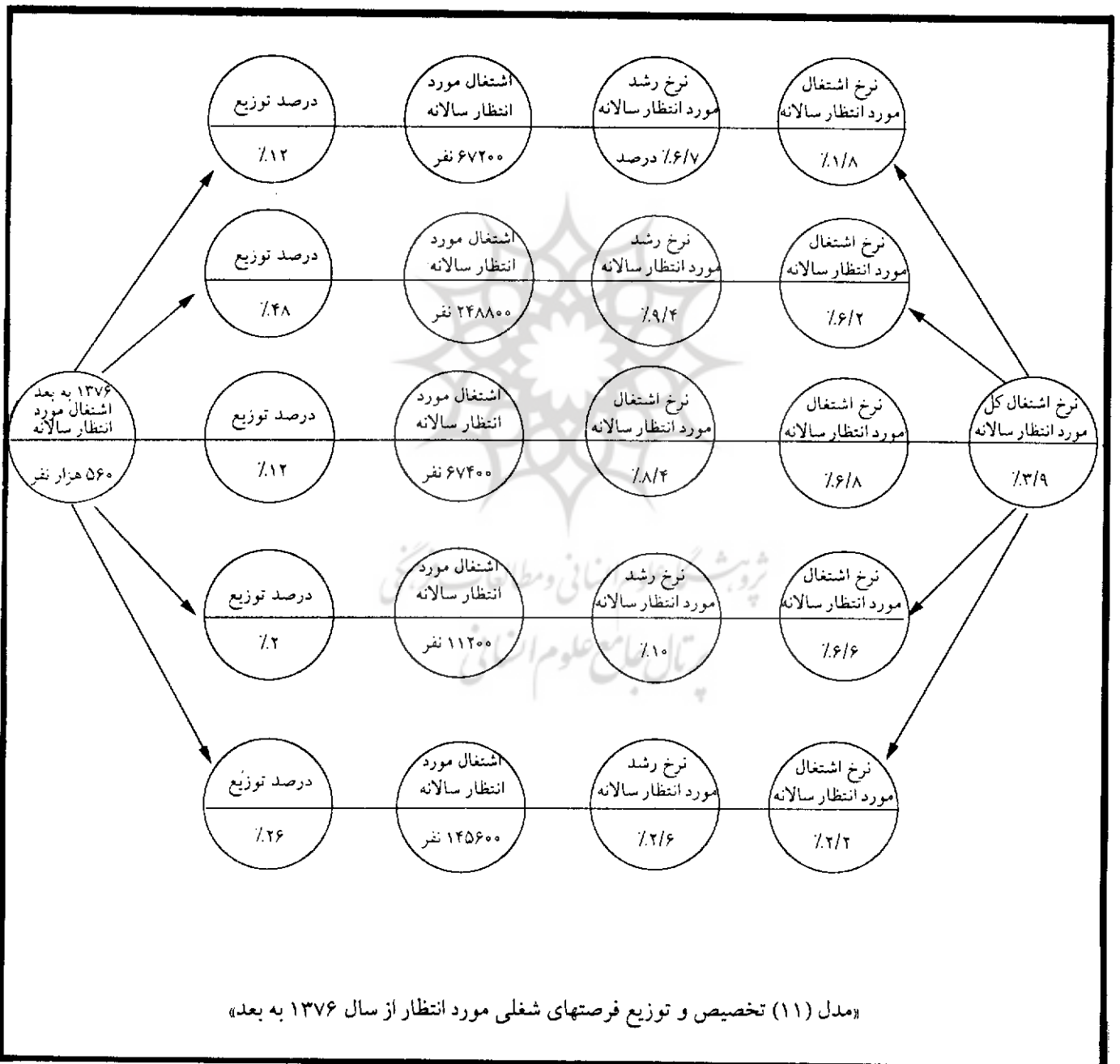
● بازنگری در زیر ساختهای تولید ناخالص داخلی از اهم مسایلی است که عجبالتاً از آنها می‌توان به عنوان گرههای کور شبکه اقتصادی یاد کرد و از جمله موانع مهم بالندگی رشد و شکوفایی اقتصادی کشور به شمار می‌روند که ریشه‌یابی کارشناسانه در بهبود و بهینه‌سازی آنها مستلزم عزم و اراده ملی نیروی جوان و کارشناس کشور، تحت هدایت و رهبری سازمانهای مسؤول است.

سرعت بخشیده و منحنی توزیع میان‌بخشی شاغلان بخش کشاورزی را در جهت افزایش شاغلان بخش خدمات که ذاتاً دارای فرایند شفاف تولیدی نبوده و به افزایش تورم و ایجاد اختلال در سیستم اقتصادی کشور دامن زده و شاغلان این بخش را با فرار و معافیت از محدودیتهای قانونی در اندک مدتی بدون تحمل هیچ‌گونه زحمتی در مقایسه با بخشهای تولیدی به ثروتهای بادآورده می‌رساند تغییر جهت می‌دهد که در دراز مدت می‌توان آن را انحراف از معیارهای اقتصاد اسلامی نامید.

به‌همین دلیل و در راستای جبران و جلوگیری از کاهش ساکنان و شاغلان بخش کشاورزی در روستاها و پیش‌گیری از روند مهاجرت روستاییان به شهرها در مدل توزیع ارائه شده که شباهت زیادی به مدل تخصیص فرصتهای شغلی ایجاد شده در برنامه دوم اقتصادی دارد سعی بر این است که با کاهش درصد ناچیزی از سهم خدمات و با افزودن به سهم بخش صنعت به منظور گسترش و احداث صنایع کوچک و تبدیلی کشاورزی در جوار دهستانها و روستاها به اهداف بلند مدت مورد اشاره نائل آمد.

با ملاحظه شبکه (مدل شماره ۱۱) تخصیص فرصتهای شغلی مورد انتظار و جدول شماره (۱۲) در همین رابطه و مقایسه آنها با جدول شماره (۷) به این نتیجه می‌رسیم که برای دستیابی به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۷/۸ درصد که پاسخگوی نرخ رشد ۳/۹ درصدی عرضه نیروی کار و موجد نرخ رشد اشتغال ۳/۹ درصد باشد، جهت‌گیری و برنامه‌ریزی کلان بخش کشاورزی به گونه‌ای باید تنظیم گردد که نرخ رشد آن از ۴/۳ درصد در طول برنامه دوم اقتصادی به ۶/۷ درصد در برنامه‌ریزی بلندمدت دهساله آتی افزایش یابد. بخش

● برای دستیابی به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۷/۸ درصد که پاسخگوی نرخ رشد ۳/۹ درصدی عرضه نیروی کار و موجود نرخ رشد اشتغال ۳/۹ درصد باشد، جهت گیری و برنامه ریزی کلان بخش کشاورزی به گونه ای باید تنظیم گردد که نرخ رشد آن از ۴/۳ درصد در طول برنامه دوم اقتصادی به ۶/۷ درصد در برنامه ریزی بلندمدت دهساله آتی افزایش یابد.





موارد آسیب‌پذیری واحدهای کوچک صنعتی - کشاورزی در جمهوری اسلامی

حفظ و نگهداری ظرفیت نهایی اشتغال در واحدهای کوچک صنعتی از جمله مهمترین مواردی است که به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بایستی در کانون توجهات دولتمردان و متولیان اشتغال کشور قرار گیرد. حق بیمه نسبتاً سنگین سهم کارگر و کارفرما (۲۹ درصد) و قانون حداقل حقوق سالانه کارگران که هر ساله به تصویب شورای عالی کار حداقل ۳۰ درصد افزایش می‌یابد و تنگناهای موجود در روابط کارگر و کارفرما از جمله اهرمهای فشاری است که در واحدهای کوچک غیر تعاونی ظرفیت اشتغال آنها را کاهش داده و یا اجباراً درصدی از آن‌را در اختیار کارگران خارجی قرار داده است. شایسته است دولت جمهوری اسلامی به‌منظور حفظ و تکمیل ظرفیت اشتغال واحدهای کوچک و ترغیب این قبیل واحدها به استخدام رسمی کارگران ایرانی و افزایش پتانسیل اشتغال آنها با هزینه‌ای اندک، تمهیداتی را

مالی آنها تماماً از طریق بخش خصوصی در قالب تعاونیهای تولیدی یا اشخاص حقیقی با استفاده از تسهیلات بانکی قابل تأمین و از طریق احداث واحدهای کوچک صنعتی و کشاورزی و صنایع تبدیلی ایجاد خواهد شد و سامان یا وزارتخانه مربوطه صرفاً نقش هدایتگر و کنترلی را عهده‌دار خواهد بود.

● برای دستیابی سهل الوصول به ۲۶۸۸۰۰ هزار فرصت شغلی سالانه در بخش صنعت، شایسته است یک کمیته هماهنگی متشکل از نمایندگان متولیان اشتغال کشور جهت پیگیری مستقیم و مستمر بر پیشرفت امور تحت نظارت عالی وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل گردد.

از آنجایی که در دهه اخیر، کشورهای توسعه‌یافته نیز به دنبال یافتن راه‌حلهای مناسب و سهل‌الوصول به‌منظور پیکار با پدیده بیکاری، بر نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی تأکید فراوان داشته و تجربیات موفق کشور هندوستان را در این رابطه به‌عنوان الگو می‌پذیرند، لذا به‌نظر می‌رسد که به موازات گسترش و توسعه فیزیکی واحدهای کوچک صنعتی به‌منظور تضمین ثبات و پایداری این قبیل واحدها در بعد حفظ ظرفیت اشتغال آنها تغییر یا وضع پاره‌ای قوانین جدید اجتناب‌ناپذیر باشد.

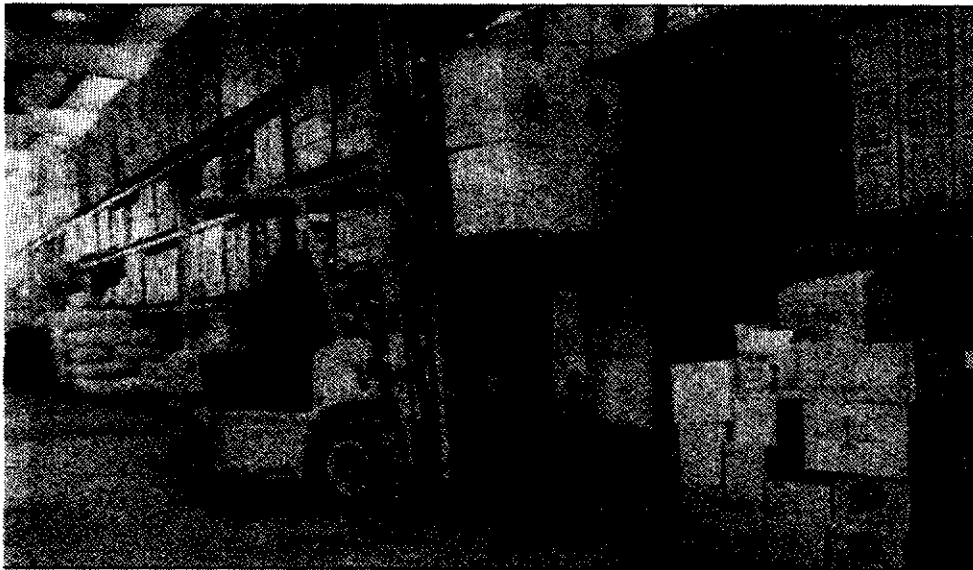
صنعت اگرچه در طول برنامه‌های اول و دوم توسعه از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده است، لیکن به‌عنوان تنها آکترناتیو انعطاف‌پذیر در سازگاری با محدودیتهای جغرافیایی و در همیاری با بخش کشتش‌ناپذیر کشاورزی در امر اشتغالزایی به دلایل خاص مختصات جغرافیایی کشور و روند تغییر تکنولوژی، برنامه‌ریزی کلان صنعت کشور به‌ویژه در پروسه گسترش و توسعه صنایع کوچک، تعاونیهای کوچک صنعتی و کشاورزی، صنایع تبدیلی، معادن و صنایع استراتژیکی که تأمین‌کننده مواد اولیه و گره‌گشای نیازمندیهای اساسی صنایع کوچک داخلی باشد باید طوری طراحی و تنظیم گردد که نرخ رشد آن از ۵/۹ درصد در طول برنامه پنجساله دوم اقتصادی حداقل به ۹/۴ درصد افزایش یابد تا بتواند با ایجاد ۲۶۸۸۰۰ فرصت شغلی در سال به‌عنوان محور اشتغالزایی کشور رسالت سنگین و تاریخی خود را در عرصه پهناور ایران اسلامی به انجام رساند. برای دستیابی سهل‌الوصول به ۲۶۸۸۰۰ هزار فرصت شغلی سالانه در بخش صنعت، شایسته است یک کمیته هماهنگی متشکل از نمایندگان متولیان اشتغال کشور جهت پیگیری مستقیم و مستمر بر پیشرفت امور تحت نظارت عالی وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل گردد. جدول شماره (۱۳) یک مدل پیشنهادی بر اساس امکانات بالقوه و شرح وظایف دستگاههای متولی اشتغال کشور جهت توزیع و تخصیص فرصتهای شغلی مورد نیاز است که منابع

شرح	سهم اشتغالی به درصد	فرصتهای شغلی مورد انتظار سالانه (نفر)	نرخ رشد مورد انتظار سالانه	نرخ اشتغال مورد انتظار
کشاورزی به طور اعم	٪۱۲	۶۷۲۰۰	٪۶/۷	٪۱/۸
صنعت به طور اعم	٪۴۸	۲۶۸۸۰۰	٪۹/۴	٪۶/۲
حمل و نقل و ارتباطات	٪۱۲	۶۷۲۰۰	٪۸/۴	٪۶/۸
آب و برق و گاز	٪۲	۱۱۲۰۰	٪۱۰	٪۶/۶
سایر خدمات و خوداشتغالی	٪۲۶	۱۴۵۶۰۰	٪۲/۶	٪۲/۲
جمع	۱۰۰	۵۶۰۰۰۰	٪۷/۸ - GOP	٪۳/۹

جدول شماره (۱۲) توزیع فرصتهای شغلی مورد انتظار از سال ۷۶ به بعد

نام وزارتخانه یا سازمان	میزان سهم اشتغالی به درصد	تعداد فرصت شغلی	نوع صنعت	بخش
وزارت صنایع	٪۳۰	۸۰۶۴۰	صنایع کوچک	بخش خصوصی
وزارت صنایع	٪۱۰	۲۶۸۸۰	صنایع استراتژیک	بخش خصوصی
وزارت صنایع	٪۱۰	۲۶۸۸۰	صنایع متوسط و نیمه سبک	بخش خصوصی
وزارت صنایع	٪۱۵	۴۰۳۲۰	صنایع کوچک کشاورزی و تبدیلی	بخش خصوصی
وزارت معادن و فلزات	٪۵	۱۳۴۴۰	استخراج و بهره‌برداری از معادن	بخش خصوصی
وزارت تعاون	٪۲۰	۵۳۷۶۰	تعاونی کوچک صنعتی - کشاورزی	تعاونیهای ۶ الی ۲۰ نفره
بانک صنعت و معدن	٪۵	۱۳۴۴۰	صنایع کانی - معدنی	بخش خصوصی
وزارت کار (معاونت اشتغال و صندوق F. E. O. S)	٪۵	۱۳۴۴۰	صنایع کوچک - کشاورزی - تبدیلی	تعاونیهای ۶ الی ۱۰ نفره
جمع	۱۰۰	۲۶۸۸۰۰	—	—

جدول شماره (۱۳) مدل پیشنهادی برای توزیع سهم فرصتهای اشتغالی بخش صنعت ۸۷ - ۱۳۷۷



● حفظ و نگهداری ظرفیت نهایی اشتغال در واحدهای کوچک صنعتی از جمله مهمترین مواردی است که به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر بایستی در کانون توجهات دولتمردان و متولیان اشتغال کشور قرار گیرد.

بخش کشاورزی:

اگرچه رشد بخش کشاورزی طبق برنامه پیش‌بینی شده می‌بایست از ۴/۳ درصد در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی به ۶/۷ درصد افزایش یابد، لیکن از آنجایی که افزایش نرخ اشتغال در این بخش الزاماً پدیده فقر را به دنبال خواهد داشت شایسته است اضافه فرصتهای شغلی در مورد انتظار این بخش نسبت به برنامه دوم توسعه (۲۴۴۰۰ = ۶۷۲۰۰ - ۴۲۸۰۰) با احداث واحدهای کوچک صنایع تبدیلی کشاورزی با هدایت و نظارت دولت و از طریق بخش خصوصی تأمین گردد. جدول شماره (۱۴) مدل پیشنهادی توزیع فرصتهای شغلی در شاخه‌های اصلی بخش کشاورزی است.

بدون تردید به کارگیری و اجرای سیاستهای تشویقی یاد شده، علاوه بر ترغیب کارفرمایان به جایگزینی کارگران ایرانی به جای بیش از ۳۰۰ هزار کارگر خارجی که هم اکنون در این کارگاهها و عمدتاً در واحدهای سنگبری، مسوزائیک‌سازی، کوره‌پزخانه‌ها و واحدهای تولیدکننده شن و ماسه مشغول به کار هستند، حتی چنانچه اجرای سیاستهای یاد شده، پتانسیل اشتغال هر واحد را به میزان یک نفر افزایش دهد، با احتساب جایگزینی کارگران خارجی، فرصتهای شغلی جدیدی حدوداً معادل ۶۰۰ هزار واحد شغلی را فراهم خواهد نمود.

به شرح زیر اتخاذ، تصویب و به مورد اجرا گذارد:

- ۱- معافیت مالیاتی این قبیل واحدها حداقل به مدت ۵ سال از آغاز بهره‌برداری.
- ۲- سرخورداری از معافتهای مالیاتی در ازای به کارگیری فعالیتهای کارگبر در مقابل فعالیتهای سرمایه‌بر.
- ۳- اعطای تسهیلات بانکی در راستای سیاستهای تشویق امر اشتغالزایی و حمایت از بنگاههای کوچک تولیدی و اقتصادی و صنایع کوچک کشاورزی و تبدیلی در دهستانها و نقاط محروم با کارمزد و بهره کم. نظر به اینکه در حال حاضر بیش از ۳۳۴ هزار کارگاههای کوچک صنعتی با پرسنل کمتر از ۶ نفر در ایران اسلامی فعالیت دارند،

شرح	سهم اشتغالزایی به درصد	فرصتهای شغلی مورد انتظار (نفر)
زراعت و باغداری	۵۱٪	۳۴۲۷۲
دامپروری	۴۳٪	۲۸۸۹۶
جنگل و مراتع	۵٪	۳۳۶۰
شیلات و آبزیان	۱٪	۶۷۲
جمع	۱۰۰٪	۶۷۲۰۰

جدول شماره (۱۴) توزیع فرصتهای شغلی مورد انتظار در بخش کشاورزی ۸۷ - ۱۳۷۷

● بدون تردید توفیق در عرصه پیکار با پدیده فزاینده بیکاری در دهه آتی در گرو برنامه‌ریزی کلان اقتصادی کشور در راستای افزایش نرخ تولید ناخالص داخلی از ۵/۱ فعلی به ۷/۸ درصد برای دسترسی به فرصتهای شغلی مورد نیاز متناسب با عرضه نیروی کار دوره (۷۷-۷۸) می‌باشد که بدون اجرای موفقیت‌آمیز آن سایر برنامه‌های تکمیل‌کننده طرح نیز نازا و فاقد اثربخشی خواهد بود.

۱- افزایش رشد تولید ناخالص داخلی (GDP):

همان‌طور که قبلاً به‌عنوان محور طرح از رشد تولید ناخالص داخلی نام برده شد، بدون تردید توفیق در عرصه پیکار با پدیده فزاینده بیکاری در دهه آتی در گرو برنامه‌ریزی کلان اقتصادی کشور در راستای افزایش نرخ GDP از ۵/۱ فعلی به ۷/۸ درصد برای دسترسی به فرصتهای شغلی مورد نیاز متناسب با عرضه نیروی کار دوره (۷۷-۷۸) می‌باشد که بدون اجرای موفقیت‌آمیز آن سایر برنامه‌های

موانع و کاستیها و عوامل بازدارنده رشد تولید ناخالص داخلی دچار تأخیر فاز موقت گردید، کسری فرصتهای شغلی مورد انتظار سالانه از شاخه‌های برنامه ممتنع تغذیه نماید. اگرچه هر یک از مباحث ده‌گانه ممتنع طرح خود یک مقوله جداگانه تخصصی است که در یک چارچوب کوتاه‌گفتاری نمی‌گنجد لیکن به‌دلیل ضرورت و اهمیت هر یک از پدیده‌های یاد شده در میزان افزایش اثربخشی طرح یاد شده اجمالاً با بیانی کوتاه بدانها اشاره می‌گردد:

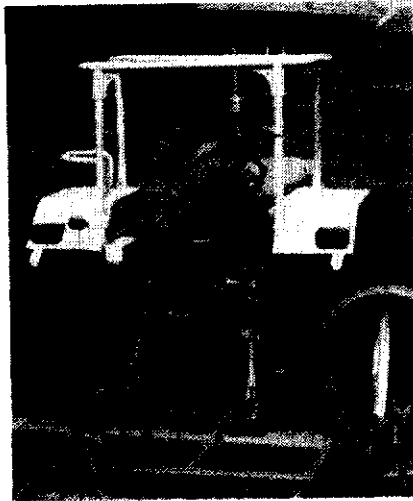
اجرای برنامه‌های ممتنع استراتژی پرهیز از بحران اشتغال
فلودیاگرام شماره (۱۵) برنامه‌های مکمل استراتژی پرهیز از بحران اشتغال کشور را به تصویر کشیده است با این امید که مشارکت فعالانه در عرصه‌های مورد نظر اثربخشی طرح مذکور را زیادتر نموده و ضریب اطمینان دستیابی به آفرینش ۵۶۰ هزار فرصت شغلی را طی دوره ده‌ساله (۷۷-۸۷) را افزایش دهد تا چنانچه در چند سال آغازین طرح به علت وجود پاره‌ای از

ب) گسترش تحقیقات:

در جهان صنعتی و پیشرفته امروز از تحقیقات به عنوان مرکز ثقل عرصه علم و تکنولوژی یاد می‌شود به طوری که همه ساله علی‌رغم توجه خاص به حفظ موازنه‌های قدرت نظامی در جهان به گونه فزاینده‌ای بوده تحقیقاتی کشورها در عرصه علم و صنعت و تکنولوژی افزوده می‌گردد. می‌توان گفت که اختراعات و ابتکارها و ابداعاتی بشری اساساً مولود و زاییده تحقیقات دانشمندان و کارشناسان سخت‌کوش هر عصر و دوره‌ای بوده است. ایران اسلامی اگر بخواهد از قافله علم و صنعت در جهان آتی عقب نماند، نیازمند حرکت‌های جهش‌گونه است که لازمه جهش در عرصه علم و تکنولوژی مستلزم بها دادن به امر تحقیقات و سامان بخشیدن به نظام تحقیقاتی و کرامت بخشیدن به محققین کشور است.

ج) افزایش کارایی یا بهره‌دهی:

از آنجایی که انسانها با فکر خلاق و تلاش مخلصانه منبع کارایی مؤسسات اقتصادی به‌شمار می‌روند، وارد آمدن هرگونه ضربه روحی، جسمی، روانی و اقتصادی به کارگران و کارشناسان که گردانندگان چرخه حیات کشور هستند تأثیر نامطلوبی بر راندمان طبیعی سیستم خواهد گذاشت. بدون توجه جدی به مشکلات ساختاری در این ارتباط (دیاگرام شماره ۱۵) هرگونه تلاش آمرانه از کانالهای رسمی و مدیریتی به زیرمجموعه‌های تحت پوشش در راستای ارتقا کارایی سیستمها امری بی‌بهره و فاقد نتایج مثبت خواهد بود



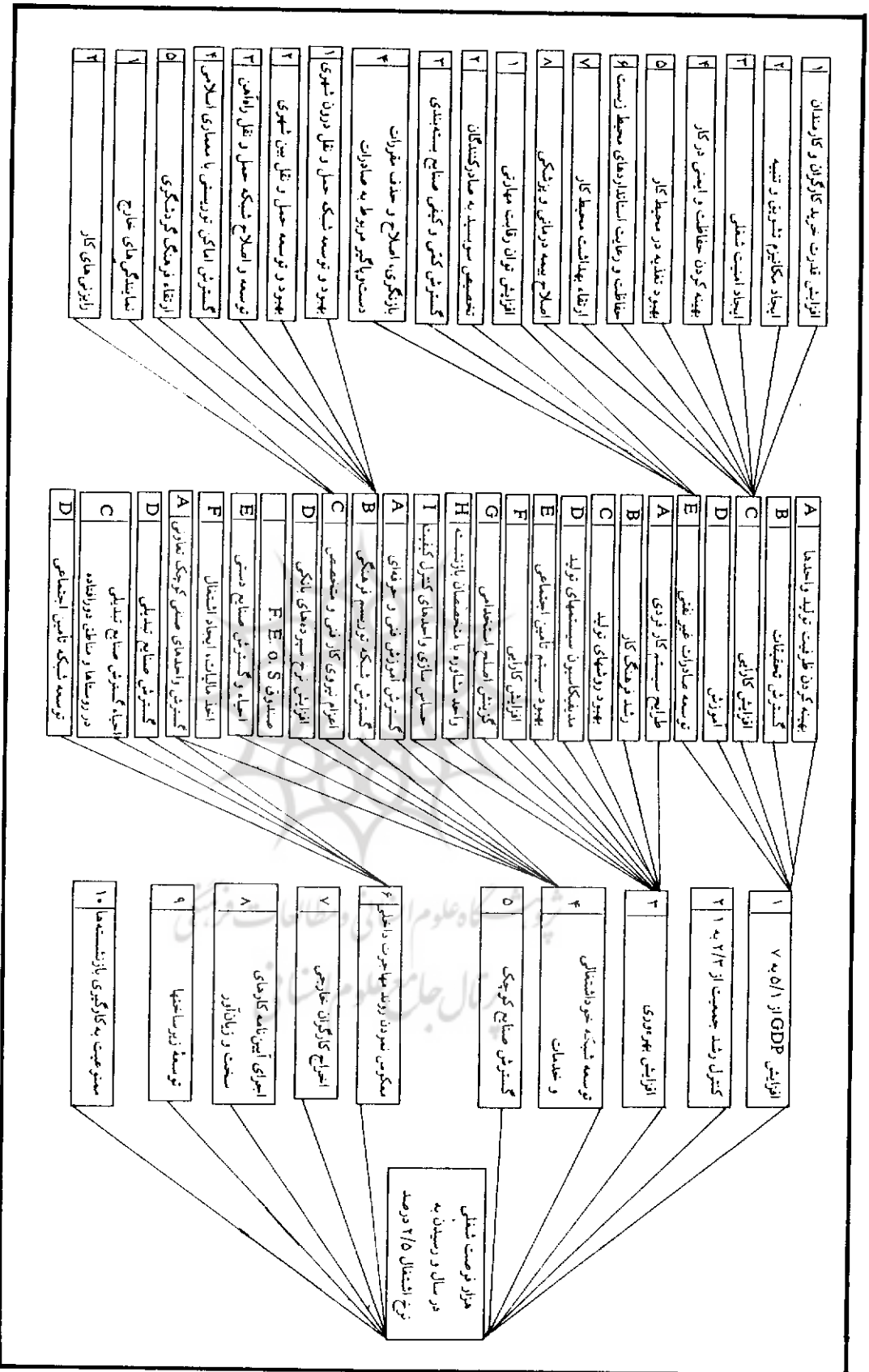
● چنانچه بتوان تولید واحدها را به ظرفیت نهایی رسانید، کارخانجات ظرف مدت کوتاهی از سودآوری مطلوب برخوردار می‌گردند که سود مورد انتظار انگیزه‌ای برای احداث و ایجاد فازهای توسعه خواهد گردید و ثمره و نتیجه نهایی آن افزایش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن فراهم شدن فرصتهای جدید شغلی را به دنبال خواهد داشت.



تکمیل‌کننده طرح نیز نازا و فاقد اثربخشی خواهد بود. همان‌طور که در دیاگرام شماره (۱۰) ملاحظه می‌گردد بازنگری در زیر ساختهای تولید ناخالص داخلی از اهم مسائلی است که عجاتاً از آنها می‌توان به عنوان گره‌های کور شبکه اقتصادی یاد کرد و از جمله موانع مهم بالتدگی رشد و شکوفایی اقتصادی کشور به‌شمار می‌روند که ریشه‌یابی کارشناسانه در بهبود و بهینه‌سازی آنها مستلزم عزم و اراده ملی نیروی جوان و کارشناس کشور تحت هدایت و رهبری سازمانهای مسؤول است. می‌توان گفت که اثربخشی کامل GDP از برآیند زیر ساختهای زیر نشأت می‌گیرد:

الف) بهینه کردن ظرفیت تولید واحدهای صنعتی:

با نگاهی به آمار و ارقام بخش حسابداری صنعتی اکثر واحدها و کارخانجات تولیدی صرفنظر از پاره‌ای استثنائات ملاحظه می‌گردد که راهیابی به ظرفیت نهایی تولید، طلسم نفوذناپذیری گردیده و اغلب واحدها با ظرفیتهای بین (۷۰ - ۸۰) درصد کار می‌کنند، چنانچه بتوان تولید واحدها را به ظرفیت نهایی رسانید، کارخانجات ظرف مدت کوتاهی از سودآوری مطلوب برخوردار می‌گردند که سود مورد انتظار انگیزه‌ای برای احداث و ایجاد فازهای توسعه خواهد گردید و ثمره و نتیجه نهایی آن افزایش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن فراهم شدن فرصتهای جدید شغلی را به دنبال خواهد داشت.



رابطه بین اجراء برنامه‌های مشتم استراتژی پرهیز از بحران اشتغال در طول دوره (۸۷-۱۳۷۷)

۱- افزایش قدرت خرید کارگران و کارمندان:

حفظ قدرت خرید کارگران و کارمندان و کارشناسان که نقش محوری در افزایش بازدهی و کارایی سیستمهای اقتصادی دارند از اهم مسائلی است که باید در کانون عنایت و توجه مسؤولان قرار گیرد. با نگاهی به جدول شماره (۱۶) بانک مرکزی جمهوری اسلامی چنانچه پایه محاسبات را سال ۱۳۶۱ قرار دهیم، ارزش هر یک ریال در سال ۱۳۶۱ در پایان سال ۱۳۷۴ معادل ۷۰ ریال خواهد بود. با توجه به اینکه در سال

۱۳۶۱ حداقل دستمزد روزنامه معادل ۶۳۵ ریال بوده است، قاعدتاً به تناسب رشد نرخ تورم در آغاز سال ۱۳۷۵ می‌بایست رقمی معادل $۴۴۴۵۰ = ۶۳۵ \times ۷۰$ به‌عنوان حداقل مزد روزانه یا $(۴۴۴۵۰ \times ۳۰ = ۱۳۳۳۵۰۰)$ یک صد و سی و سه هزار و سیصد و پنجاه تومان به‌عنوان حداقل مزد ماهانه به کارگر پرداخت می‌شد تا صرفاً قدرت خرید سال ۱۳۶۱ کارگران حفظ گردیده و آسیب نبیند. کنکاش در ارزیابی و مبانی محاسبات مراجع ذیصلاح نظیر شورای اقتصاد، شورای عالی

سال	مبنای محاسبه و مقایسه بهای هر یک ریال در ۷۴/۱۲/۲۹
۱۳۵۷	۱۶۰
۱۳۵۹	۱۰۳
۱۳۶۱	۷۰
۱۳۶۵	۱۲/۵

جدول شماره (۱۶) ارزش ریالی به نقل از بانک مرکزی

۲- حذف چندپیشه‌گی:

چندپیشه‌گی پدیده‌ای است که به‌دنبال کاهش قدرت خرید خانواده‌ها، نان‌آور خانوار را اجباراً برای جبران کمبود درآمد مورد نیاز به‌سوی کارهای دوم و سوم می‌کشاند و در کاستن از قدرت کارایی و بهره‌دهی او در شغل اصلی تأثیر به‌سزایی دارد. آمار غیررسمی بیان می‌کند که درصد قابل توجهی از نیروی انسانی شاغل در بخشهای دولتی، حداقل ۲ و حداکثر ۳ فرصت شغلی را اشغال کرده‌اند. سؤال این است که آیا انسانهای دیگری با شرایط مورد نیاز برای احراز مشاغل اضافی این قبیل

شاغلین وجود ندارد؟! چندپیشه‌گی و افزایش قدرت خرید کارگران و کارمندان روابط متقابل و تأثیرپذیری بر هم دارند و تا آن زمان که نیروی انسانی حقوق‌بگیر از قدرت خرید کافی برای گذران آبرومند زندگی و تمشیت امور مادی بهره‌مند نگردد سخن از حذف چندپیشه‌گی، کلامی بیهوده و نابجاست. چندپیشه‌گی آفت کارایی است، زیرا انسان چندپیشه به‌دلیل فرسایش بیش از حد قوای جسمانی و فکری، از تمرکز و دقت و توان کافی برای انجام کار اصلی خود بی‌بهره و به‌باروری تولید لطمات جبران‌ناپذیری می‌زند.

ادامه دارد